

## بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهرهای میانی در مدیریت شهری. مطالعه موردی: شهر بابل

علیرضا خواجه شاهکوهی<sup>۱\*</sup>، علی اکبر نجفی کانی<sup>۲</sup>، طاهره بابائیان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، <sup>۲</sup>استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه گلستان

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گلستان

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۶

### چکیده

مشارکت یکی از مفاهیم عمده و اصلی توسعه پایدار به شمار می رود، از این رو مدیران شهری همواره سعی کرده اند تا با جلب مشارکت مردمی به اهداف خود در زمینه مدیریت بهینه شهر به ویژه در حاشیه شهرها به بهترین نحو ممکن نائل آیند. با توجه به اهمیت مشارکت مردم در مدیریت مطلوب شهر، هدف از انجام این پژوهش، بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل در مدیریت شهری و همچنین شناسایی مفاهیم، مزایا و موانع و ارائه راهکارهایی در جهت جلب مشارکت شهروندان برای بهبود مدیریت شهر می باشد، که در اجرای این هدف، از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان حاشیه شهر بابل می باشند که بر اساس فرمول کوکران نمونه ای به تعداد ۲۰۰ نفر سرپرست خانوار از چهار محله در حاشیه جنوب شهر به صورت تصادفی انتخاب و اطلاعات به روش اسنادی و میدانی گردآوری شده است و از نرم افزار SPSS جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده گردید. نتایج حاصل از یافته های تحقیق حاکی از آن است که میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل با میانگین ۲/۴۹ در امور مدیریت شهری از سطح متوسط پائین تر می باشد. در این بین بیشترین میزان مشارکت مربوط به محله کتی غربی و کمترین میزان مشارکت مربوط به محله کمانگرکلا می باشد. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق نشان می دهد که رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد بین متغیرهای مستقل شامل؛ رضایت شهروندان از خدمات شهری، اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری، آگاهی شهروندان از برنامه های مدیریت شهر و تعلق اجتماعی شهروندان با متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در امور مدیریت شهری) وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت، مدیریت شهری، شهرهای میانی، بابل.

## مقدمه و بیان مسأله

توسعه شهرنشینی و بزرگ شدن شهرها علاوه بر این که در جهت امنیت و رفاه شهروندان نقش داشته، نارسای‌هایی را به صورت معضلات حاد در پی داشته است. در چنین شرایطی مدیریت شهری بسیار حساس و متنوع است، به نحوی که مدیریت شهری بدون ظرفیت‌سازی محله‌ای و استفاده از توان مشارکتی در ساماندهی امور شهری توفیق چندانی نخواهد داشت. کارشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت شهری و برنامه‌ریزی شهری بدون در نظر گرفتن نقش مشارکت مردم کاری بس دشوار و ناموفق خواهد بود و مؤثر نبودن بسیاری از طرح‌های شهری که عدم رضایت شهروندان و استفاده‌کنندگان از این برنامه‌ها را در پی داشته، ناشی از این بی‌توجهی است (ابوذری، ۱۳۹۰: ۱). بنابراین ضرورت شناخت از مقوله مشارکت بدان جهت دارای اهمیت است که اولاً یکی از مبانی اساسی و اصولی دموکراسی در دنیای امروز می‌باشد و ثانیاً مدیران شهری، زمینه‌ساز فرهنگ مشارکت برای رسیدن به آرمانهای جامعه دموکراتیک براساس ادبیات امروز می‌باشند (وظیفه‌دوست، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اصول دموکراسی، مشارکت در تمام امور است، بدین ترتیب بر اساس روند دموکراسی در کشورها، نحوه تهیه و اجرای طرح‌های شهری، همچنین مدیریت شهری شهرهای جهان، به سوی مشارکت مردم در امر مدیریت شهری سوق پیدا کرده است. بدین سو، توجه به مشارکت در مدیریت شهری، نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری را برعهده دارد و بر این اساس از اولویتهای بالای سیاست‌های مدیران شهری و مدیریت شهری، ایجاد زمینه‌هایی برای جلب مشارکت مردمی است. مشارکت مردم در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های شهری یک اصل اساسی در مدیریت شهری است. مدیریت شهری باید بتواند در پاسخ دادن و غلبه بر محدودیت‌ها و مسائل شهری به بهترین شکل عمل کند. مشارکت عمومی فرایندی مؤثر است که از طریق آن، مردم، اشخاص یا گروه‌های سازمان‌یافته می‌توانند به تبادل اطلاعات، بیان عقیده و ارائه نظر بپردازند و از توانایی لازم برای تصمیم‌سازی برخوردار شوند (Finger, 2002: 101) برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب یا استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه امکانات، مشارکت مردم راهکار اصلی و محوری به‌شمار می‌رود (جمعه‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۳؛ Chakarbarty, 2001: 23). در حال حاضر در ایران مردم فقط از طریق شوراها در مدیریت شهری شهرها مشارکت دارند و هیچ مشارکتی در روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری و مدیریت شهری شهرها ندارند، در صورتی که باید به نقش مردم در مدیریت شهری توجه بیشتری شود. حال با توجه به نبود سابقه زیاد مشارکت در مدیریت شهری شهرها و همچنین توجه به مباحث مشارکت در شهرهای بزرگ، لزوم توجه به مشارکت در شهرهای میانی به این دلیل که بستر مشارکت شهروندی در شهرهای میانی مهیاتر است، مشخص می‌شود (زیاری، ۱۳۸۸: ۲۳۲). لازم به ذکر است که امروزه در برنامه‌ریزی شهری، مشارکت مردم یکی از نیازهای اساسی برنامه‌ریزی است، بطوری که حتی در کشور خودمان به این مساله جنبه قانونی نیز داده شده است. از آن

جمله می‌توان به بند ۵ ماده ۷۱ قانون شوراها (منصور، ۱۳۸۵: ۶۰) و بند ح ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که دخیل کردن و مشارکت شهروندان و تشکیل انجمن‌های محلی را در شهر امری ضروری دانسته و بر لزوم توانمندسازی و مشارکت‌دهی و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی تأکید شده است (قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳: ۸۴).

از آنجایی که بر اساس پیشرفت‌های صنعتی امروز شهرهای بزرگ جاذب روزافزون جمعیت مهاجر گشته‌اند، برای تعادل این بار جمعیتی اضافه بر شهرها، تدابیر ایجاد شهرهای میانی در ایران اتخاذ شد، که با توسعه امکانات در این شهرها از مهاجرت بیش از اندازه به شهرهای بزرگ جلوگیری می‌شود. شهر بابل نیز از شهرهای میانی و پرجمعیت استان مازندران محسوب می‌شود که مهاجرت افراد در آن رو به افزایش است. از آنجائیکه این افراد از نظر اقتصادی توان پرداخت هزینه‌های سنگین خرید و اجاره مسکن در مرکز شهر را ندارند، بنابراین زندگی در حاشیه شهر را انتخاب کرده‌اند. با توجه به اینکه مردم حاشیه شهر نیز جزو شهروندان محسوب می‌شوند، بنابراین مشارکت آنان در فعالیت‌های مربوط به مدیریت شهری برای کاهش مشکلات در حاشیه شهر حائز اهمیت می‌باشد. به باور اندیشمندان، شهروندان به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی هزینه‌های شهری (مالیات دهندگان) و به‌عنوان مجریان قوانین شهری باید در مورد آینده شهر خود با مسئولین مشارکت نمایند. از آنجایی که بعد مشارکت مردمی در فرایند مدیریت شهری با مشکل و چالشی جدی روبه رو است و عدم شرکت بخش مردمی در امور مربوط به مدیریت شهر و نیز عدم علاقه مردم برای مشارکت در اموری که مربوط به خودشان است، مدیریت شهری را با مشکل بزرگی روبه رو می‌سازد (شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۹). لذا این تحقیق به دنبال شناسایی آن دسته از عواملی است که باعث مشارکت شهروندان در مدیریت شهری می‌شود تا با شناخت این عوامل و با تأکید بر روی آنها، بتوانیم از مشارکت شهروندان در امور شهر که بی‌گمان حیاتی‌ترین عامل در زمینه توسعه شهری است استفاده ببریم.

با توجه به اهمیت مشارکت مردم در مدیریت مطلوب شهر، هدف از انجام این پژوهش، بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل در مدیریت شهری و همچنین شناسایی مفاهیم، مزایا و موانع و ارائه راهکارهایی در جهت جلب مشارکت شهروندان برای بهبود مدیریت شهر می‌باشد. بر این اساس اکنون این سؤال مطرح است که میزان مشارکت شهروندان در امور مدیریت شهری در حاشیه شهر بابل چگونه است؟ و شهروندان حاشیه شهر بابل تا چه اندازه از ارائه خدمات شهری توسط مدیران شهری رضایت دارند؟

### مبانی نظری و پیشینه تجربی تحقیق

مدیریت شهرهای امروزه بخصوص کلان شهرها تفاوت معناداری با مدیریت شهرهای بزرگ در گذشته دارد. حالا شهرها با جمعیت چندین میلیونی و با صدها خیابان و معابر و هزاران مغازه کوچک و بزرگ، نیاز به مدیریت علمی و دانش محور دارند. ساماندهی ترافیک، جمع‌آوری زباله، رفت و روب و نظافت معابر شهر، اجرای پروژه‌های عمرانی، فرهنگی، ترافیکی و... از جمله نیازهایی هستند که هر کدام از آنها با هزینه‌های سرسام‌آوری توسط مدیران شهری و سازمان‌های زیرمجموعه آنها در شهر اجرا می‌شوند و اجرای موفقیت آمیز آنان صرفاً بستگی به میزان مشارکت مردم دارد (بشیرزادگان، ۱۳۸۹: ۲). از آنجائی که مفهوم مشارکت در حقیقت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص را در موقعیت‌های اجتماعی مختلف می‌طلبد، بنابراین در جوامع امروزی دیگر نمی‌توان براساس رهیافت‌های توسعه گذشته عمل کرد، مسائل شهری به حدی از پیچیدگی محتوا و عملکرد رسیده‌اند که نیازمند استفاده از تمامی نیروهای شهروندی در فرایند طرح‌های توسعه شهری می‌باشد و در کلیه مراحل طرح (قبل از اجرا، در حین اجرا و بعد از اجرا) مشارکت شهروندی نقش پر اهمیتی را ایفا می‌کند (کاکاوند، ۱۳۹۰: ۸).

با توجه به اینکه مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی موثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر می‌باشد. بنابراین اکثر صاحب‌نظران امور شهری به این نتیجه رسیده‌اند که چنین مدیریتی بدون همکاری و مشارکت ذینفعان اصلی امور شهر (مردم) موفقیت چندانی در اداره شهرها ندارند. از اینرو باید از راه‌های مختلف زمینه‌های مشارکت و همکاری فعال مردم در امور شهری را فراهم کرد (کاظمیان، ۱۳۸۹: ۲۴). از این رو هدف اساسی مدیریت شهری، سازماندهی و ساماندهی امور شهری با مشارکت و همکاری مردم است (ارجمندنیا، ۱۳۸۵: ۳۲۲).

واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیر شدن و تجمع جهت منظوری خاص است. لیکن در مجموع میتوان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (مهرزاد، ۱۳۸۹: ۴). همچنین مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نموده‌اند. فرایندی است که افراد جامعه به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آنها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۰: ۴۲). از طرفی مشارکت یعنی مردم مستقیماً در فرآیند تهیه طرح حضور دارند و علاوه بر تأثیر گذاری بر فرآیند می‌توانند، آن را کنترل کنند (Sanoff, 2000: 8). در واقع مشارکت نوعی رفتار اجتماعی، مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است (کاکاوند، ۱۳۹۰: ۳) و مشارکت کامل تنها در جایی محقق می‌شود که مردم بتوانند نقش فعال در فرایند تهیه طرح بر عهده بگیرند (Ost

97: 1998, hooi zen). همچنین دانیل لرنر<sup>۱</sup> مشارکت را به عنوان یکی از متغیرهای مهم در توسعه و تجدید به حساب می‌آورد و معتقد است زمینه‌های انجام مشارکت عبارتند از: آمادگی ذهنی، شهرنشینی، تحصیلات و سنتی نبودن. به عبارت دیگر لرنر معتقد است پتانسیل توسعه در جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که مشارکت اجتماعی، سیاسی و وسایل ارتباط جمعی در حد نسبتاً بالایی در آن جامعه فراهم شده باشد و این منوط به رشد شهرنشینی با داشتن امکانات فراوان در آن جامعه است (رضادوست، ۱۳۸۸: ۴). او کلی و مارسدن نیز از مشارکت سه تفسیر ارائه داده‌اند: ۱- شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی، ۲- برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان شهروندان و ۳- دخالت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اجرا و سهیم شدن عامه مردم در منافع. تفاسیر مطرح شده توسط او کلی و مارسدن را از لحاظ اهمیت دادن به مردم و حقوق آنان، میتوان در سه سطح، مشارکت پایین (تفسیر اول)، مشارکت متوسط (تفسیر دوم) و مشارکت بالا (تفسیر سوم) بیان کرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۵).

در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت، دو رویکرد عمده تحت عنوان نگرش خرد و نگرش کلان وجود دارد که در سطح خرد، بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد (Ritzer, 1994: 118). از این رو، مشارکت دارای دو بخش ذهنی و رفتاری است. بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی و بخش رفتاری، فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد (علوی تبار، ۱۳۸۹: ۲۰). به عبارتی در جهت تبیین پدیده مشارکت دو دسته نظریه مورد توجه است:

- دسته اول: نظریه‌هایی که منشاء وبری دارند، در آن بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌شود که بر اساس مفروض اصلی این نظریات، کنش برخاسته از وجوه فرهنگی و تحت تأثیر عناصر مختلف آن است. لذا، تصور و پنداشت کنشگر در رفتار او موثر است. این نظریات که غالباً بصورت تجربی و در حوزه روانشناسی اجتماعی مطرح است، متغیر بی‌قدرتی را به عنوان مهم‌ترین متغیر مورد توجه قرار می‌دهد.

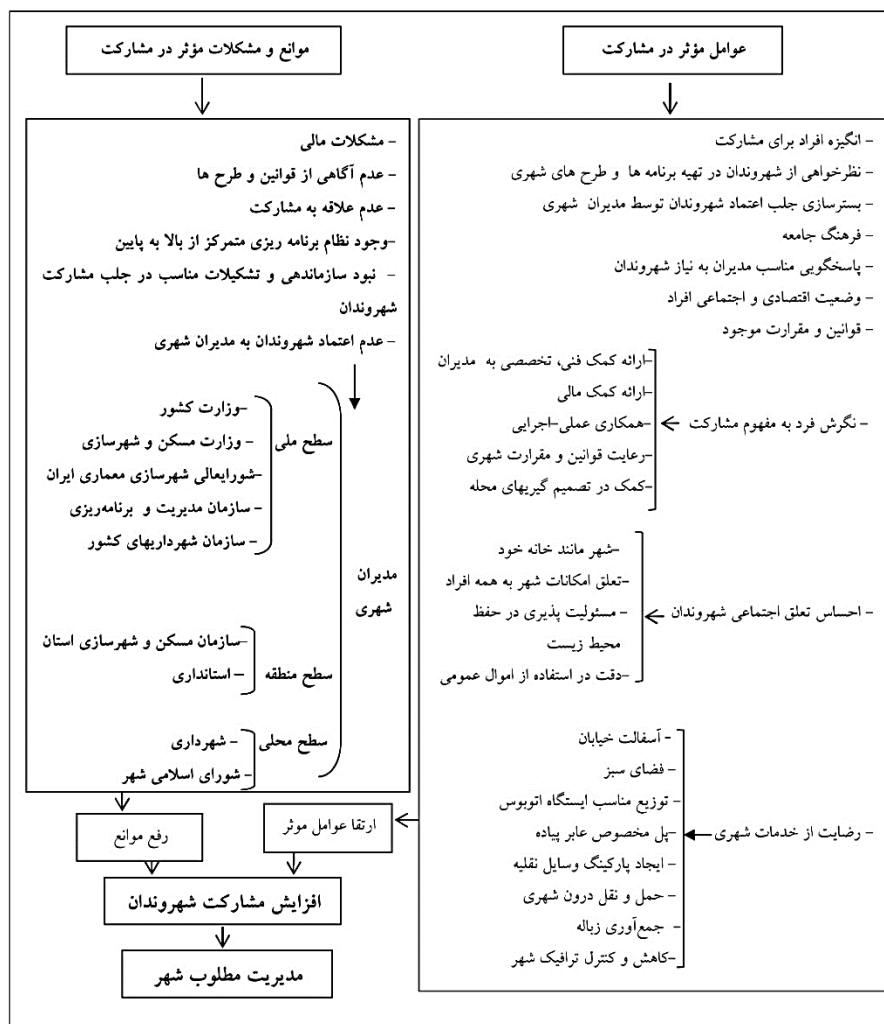
- دسته دوم: نظریه‌هایی که بر جنبه رفتاری تأکید دارند و رفتار افراد را بیش از آنکه حاصل باورها و گرایش‌شان بدانند، نتیجه تفاوت سود و زیان آنها تصور می‌کنند. مفروض این دیدگاه آن است که رفتار زمانی شکل می‌گیرد، تثبیت می‌شود، نهایتاً جنبه نهادی می‌یابد، که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی می‌گیرد. به همین دلیل، مشارکت هنگامی گسترش می‌یابد که منافع عینی آن، تصور فرد نسبت به منافع آن بیش از هزینه‌ها، تصور ذهنی فرد نسبت به هزینه‌های آن باشد (کنگره سازمان‌های غیر دولتی و چالش‌های آینده، ۱۳۸۰: ۹۳).

به‌طور کلی مطالعات و تحقیقات زیادی در ارتباط با مشارکت و اهمیت آن در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها و مدیریت شهری انجام گرفته است، در این قسمت به خلاصه نتایج چند مورد از مهم‌ترین مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود:

از نخستین مطالعات در حوزه‌ی مسائل شهری از حیثه اداره مردمی شهر را برایان مک‌لاین در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام داده است. از نظر او اداره مردمی شهر فرآیندی است که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد. افراد دیگری همچون اتکینسن و مک‌کینلی نیز پس از او این بحث را مطرح کردند. این مفهوم نه تنها با تشکیلات دولتی و رسمی و همچنین نهادهای شهری و منطقه‌ای که رسماً امور عمومی را اداره می‌کنند ارتباط می‌یابد، بلکه فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را نیز در بر می‌گیرد (un, 2000: 1). ترنر و بارت<sup>۱</sup> مولفه‌های اصلی اداره امور شهر را موارد زیر دانسته‌اند؛ مشروعیت حکومت، مسئولیت و پاسخگویی و در واقع اصل اساسی اداره مردمی شهر و تحقق آن را مشارکت شهروندان می‌دانند (10: 2000, rumarsidik).

همچنین هاشمیان و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله خود «عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر مشهد» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که نتایج حاصل از آن نشان داد که میانگین مشارکت مردم در اداره امور شهر بسیار زیاد است و همچنین مؤثرترین متغیر موثر بر مشارکت شهروندان، رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری می‌باشد. مهرزاد (۱۳۸۹)، در مقاله خود «مشارکت شهروندی و مدیریت شهری؛ مورد نمونه، شهر تبریز» به بررسی این موضوع پرداخته که نتایج حاصل از آن نشان داد که متأسفانه نهادهای سیاسی، دولتی و اجرایی در سطح بسیار ضعیفی در نیل به تحقق و رسیدن به اجزاء مشارکت عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، کمتر خواهان مشارکت‌های مردمی بوده و صرفاً یک طرفه عمل کرده و به اصطلاح در راستای برنامه‌ریزی غیرمشارکتی عمل می‌کنند. رفیعیان (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی "عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری و ارائه الگوی مناسب" در شهر فسا پرداخته است که نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که شهروندان فسایی مشارکت متوسط به بالایی را در اداره امور شهر بر عهده دارند. موسایی و رضوی (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند، نتایج حاصل از آن نشان داد که مشارکت شهروندان به طور اعم در ایران و به‌طور اخص در تهران دارای موانع ساختاری، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی، حقوقی و فضایی است. علی‌رغم موانع موجود، نقاط قوت و فرصت‌های زیادی نیز جهت ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری وجود دارد. بعلاوه ضعف‌ها و تهدیدهای مشارکت از سوی شهروندان و مدیریت شهری، مشارکت را تحت تأثیر قرار داده است.

1- Terner & Bart



شکل ۱- مدل مفهومی مشارکت شهروندان حاشیه شهر در مدیریت شهری (مأخذ: نگارنده گان، ۱۳۹۲)

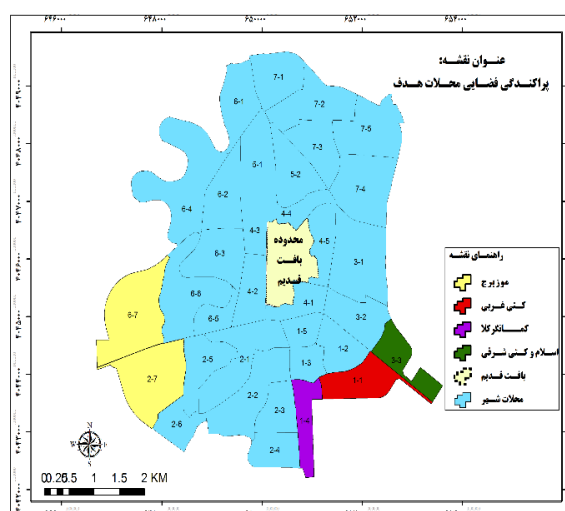
### روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه پیمایشی و جامعه آماری شامل سرپرستان خانوار محلات حاشیه‌ای شهر بابل می‌باشد که بر اساس آمارهای موجود ۶۹۱۵۸ نفر برآورد گردیده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۲۰۰ نفر تعیین و از ۴ محله کمانگرکلا، موزیرج، کتی غربی، اسلام و کتی شرقی انتخاب شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها و سنجش متغیرهای تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته است.

برای سنجش پایایی تحقیق، از روش آلفای کروناخ استفاده گردیده، که نتایج آزمون آلفای کروناخ عدد ۰/۸۷ را نشان می‌دهد که با توجه به عدد به دست آمده می‌توان گفت که پرسشنامه توزیع شده از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری همچون، آزمون کروسکال‌والیس، ضریب همبستگی کندال و اسپیرمن، آزمون آماری خی‌دو استفاده شده است. با توجه به شاخص‌های بررسی شده در این پژوهش، مدل مفهومی مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل در مدیریت شهر در شکل شماره یک نمایش داده شده است.

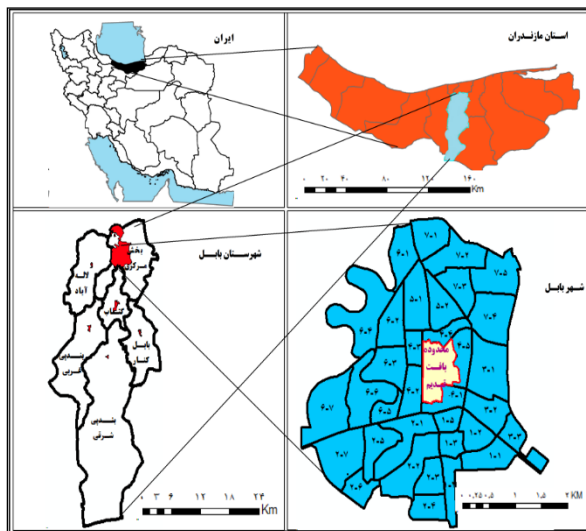
### قلمرو پژوهش

شهرستان بابل از سمت شمال به شهرستان بابلسر، از شرق به شهرستان‌های قائم‌شهر و سوادکوه از جنوب به استان تهران (دامنه شمالی البرز مرکزی) و از غرب به شهرستان آمل محدود می‌گردد (شکل شماره ۲). مساحت شهر بابل در مرکز این شهرستان حدود ۳۰/۳۷ کیلومترمربع معادل ۳۰۳۷ هکتار می‌باشد که این مساحت ۲ درصد از کل مساحت ۱۵۸۷ کیلومتری شهرستان بابل و ۱۳٪ از مساحت ۲۳۷۵۶ کیلومتری استان مازندران را تشکیل می‌دهد. شهر بابل در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۱۹۴۶۷ نفر جمعیت می‌باشد بر این اساس کلیه سطوح شهر بابل در هفت ناحیه شهری و ۳۴ محله تقسیم گردیده است. به‌طور نمونه شهروندان چهار محله حاشیه‌نشین شهر بابل شامل؛ محلات تابع موزیرج با شماره محله یک، محلات تابع کمانگرکلا با شماره دو، محله اسلام-کتی شرقی با شماره سه و محلات تابع کتی غربی با شماره چهار برای بررسی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر انتخاب گردیده‌اند (شکل ۳).



شکل ۲- محله‌بندی در نواحی شهر بابل و محلات هدف (مأخذ: نگارنده‌گان، ۱۳۹۲)





شکل ۳- تقسیمات سیاسی محدوده شهر مورد مطالعه (مأخذ: نگارنده گان، ۱۳۹۲)

### یافته‌های تحقیق

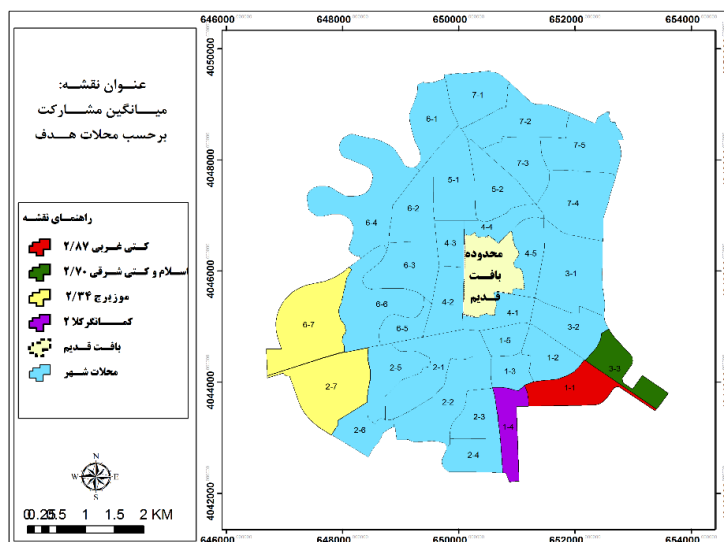
#### الف) یافته‌های توصیفی

از مجموع ۲۰۰ نفر نمونه آماری از چهار محله حاشیه‌نشین شهر بابل که شامل اسلام، کتی‌غربی، کمانگرکلا، موزیرج می‌باشند، ۱۰۰ درصد مرد و متأهل بوده‌اند. بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۵۹-۵۰ سال معادل ۴۲/۳ درصد و کمترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۲۹-۲۰ سال معادل ۰/۵ درصد می‌باشد. ۳۳/۸ درصد از پاسخگویان دارای مسکن شخصی و بیشترین فراوانی مربوط به مسکن اجاره‌ای معادل ۵۸/۲ درصد می‌باشد و ۷/۵ درصد دارای خانه پدری می‌باشند. نگرش شهروندان به مفهوم مشارکت در پنج گویه سنجیده شده است که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، بیشترین نگرش شهروندان از مفهوم مشارکت مربوط به گویه رعایت قوانین و مقررات شهری، کمک در تصمیم‌گیریهای محله‌ای با ۱۰۰ درصد موافقت می‌باشد و ۱۰۰ درصد شهروندان با نگرش کمکی از مفهوم مشارکت مخالف می‌باشند. همچنین ۸۵ درصد با کمک فکری فنی به مدیران شهری موافق و ۱۵ درصد مخالف می‌باشند و ۶۹/۱ درصد موافق و ۲۹/۹ درصد مخالف با نگرش به همکاری اجرایی- عملی از مفهوم مشارکت هستند. همچنین موانع موثری که باعث عدم مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهر می‌شود در پنج گویه شامل مشکلات مالی، عدم آگاهی از قوانین، عدم اعتماد به مدیران شهری، عدم رضایت از خدمات شهری و عدم علاقه به مشارکت سنجیده شده است که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، بیشترین مانع مؤثر در مشارکت، عدم رضایت از خدمات شهری با میانگین ۴/۷۴ و کمترین مانع مؤثر در مشارکت با میانگین ۳/۲۵ گویه عدم علاقه به مشارکت در امور شهری می‌باشد.

بر اساس یافته‌ها، میزان اعتماد شهروندان به مدیران شهری در سه سطح ملی، منطقه‌ای، محلی سنجیده شده است، که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد در نگاه کلان، شهروندان اعتماد کمی به مدیران شهری دارند، ولی در این بین بیشترین اعتماد شهروندان مربوط به مدیران محلی می‌باشد، بطوریکه میانگین اعتماد آنان به شورای اسلامی ۲/۷۹ و به شهرداری ۲/۵ می‌باشد و کمترین اعتماد آنان به مدیران ملی می‌باشد. سنجش میزان آگاهی شهروندان از طرح و برنامه‌های مدیریت شهری با میانگین ۱/۸۲ نشان از آگاهی کم شهروندان حاشیه شهر بابل از این برنامه‌ها دارد.

### ب) یافته‌های تحلیلی

به‌منظور سنجش میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل در امور مدیریت شهری، از ۱۲ گویه در جدول شماره یک استفاده گردیده است. بر اساس اطلاعات حاصله، بیشترین میزان مشارکت با میانگین (۴/۴۸ از ۵) مربوط به مؤلفه‌ی "تحويل به موقع زباله در ساعات تعیین شده توسط شهرداری" و کمترین میزان مشارکت با میانگین (۱/۴۷) مربوط به مؤلفه‌ی "اطلاع رسانی مشکلات به مدیران شهری" می‌باشد. همچنین میانگین کلی مشارکت شهروندان در مؤلفه‌های مذکور معادل ۲/۴۹ می‌باشد که نشان از مشارکت کم شهروندان دارد. بر اساس نتایج آزمون آماری کروسکال والیس ۱، تفاوت میزان مشارکت در بین محلات حاشیه شهر بابل تا سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. همچنین بیشترین میزان مشارکت با میانگین ۲/۸۷ مربوط به محله کتی- غربی و کمترین میزان مشارکت مربوط به محله کمانگرکلا با میانگین ۲ می‌باشد.



شکل ۴- میانگین مشارکت شهروندان بر حسب محلات هدف (مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲)

جدول ۱- میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر بر اساس محلات هدف با استفاده از آزمون کروسکال والیس

متغیر	محلات	میانگین رضایت محلات	میانگین کل رضایت	ضریب معناداری	متغیر	محلات	میانگین رضایت محلات	میانگین کل رضایت	ضریب معناداری
تحويل به موقع زباله در ساعات تعیین شده	۱	۴/۱۷	۲/۷۱	۰,۰۰۰**	رعایت قوانین در زمینه ساخت و ساز	۱	۴/۴۸	۰,۰۰۰**	۴/۴۸
	۲	۳/۸۴				۲			
	۳	۵				۳			
	۴	۵				۴			
مشارکت در حل مشکلات محله	۱	۴	۲/۴۴	۰,۰۰۱**	پرداخت عوارض شهرداری	۱	۳/۹۵	۰,۰۰۱**	۳/۹۵
	۲	۳/۲۰				۲			
	۳	۴/۱۲				۳			
	۴	۴/۲۶				۴			
تامین مخارج مراسم مذهبی فرهنگی شهر	۱	۳	۲/۳۶	۰,۰۰۱**	ارائه نظرات و پیشنهادات به مدیران شهر	۱	۳/۵۴	۰,۰۰۱**	۳/۵۴
	۲	۲/۲۶				۲			
	۳	۳/۶۶				۳			
	۴	۳/۸۶				۴			
در انجام امور عام المنفعه و خیر خواهانه	۱	۲/۷۱	۲/۳۴	۰,۰۰۲**	در انتخابات شورای شهر	۱	۳	۰,۰۰۲**	۳
	۲	۲/۳				۲			
	۳	۳/۰۸				۳			
	۴	۴				۴			
مشارکت در بهسازی محلات	۱	۲/۹۴	۱/۶۰	۰,۰۰۵**	تهیه طرح ها و برنامه های محله	۱	۲/۹۸	۰,۰۰۰**	۲/۹۸
	۲	۲				۲			
	۳	۴				۳			
	۴	۳/۱۲				۴			
حفظ پارک و احداث فضای سبز	۱	۲/۶۶	۱/۴۷	۰,۰۰۲**	اطلاع رسانی مشکلات به مدیران شهر	۱	۲/۸۴	۰,۰۰۰**	۲/۸۴
	۲	۲/۱۶				۲			
	۳	۳				۳			
	۴	۳/۶۰				۴			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ \*\* معناداری در سطح ۰/۰۱

به منظور سنجش میزان رضایت شهروندان حاشیه شهر بابل از ارائه خدمات شهری، از هشت گویه در جدول شماره دو استفاده گردیده است. یافته‌ها بیانگر آن است که، بیشترین میزان رضایت با میانگین ۳/۶۷ مربوط به مؤلفه جمع‌آوری زباله و کمترین میزان رضایت با میانگین ۱/۴۹ مربوط به مؤلفه ایجاد پارکینگ وسایل نقلیه می‌باشد. همچنین میانگین کلی رضایت شهروندان در مؤلفه‌های مذکور معادل ۲/۳۳ می‌باشد که نشان از رضایت کم شهروندان از ارائه خدمات شهری دارد. یافته‌ها بر اساس آزمون آماري کروسکال والیس تا سطح ۹۹ درصد تفاوت معنی‌داری در مؤلفه‌های رضایت بین محلات حاشیه شهر بابل را نشان می‌دهد. همچنین بیشترین میزان رضایت با میانگین (۳/۹۶) مربوط به محله کتی‌غربی و کمترین میزان رضایت مربوط به محله کمانگرکلا با میانگین (۱/۰۳) می‌باشد.

جدول ۲- میزان رضایت شهروندان از خدمات شهری بر اساس محلات هدف با استفاده از آزمون کروسکال والیس

متغیر	محلات	میانگین رضایت محلات	میانگین کل رضایت	ضریب معناداری	متغیر	محلات	میانگین رضایت محلات	میانگین کل رضایت	ضریب معناداری
جمع‌آوری زباله	۱	۱/۷۳	۱/۹۹	۰,۰۰۱ **	آسفالت خیابان	۳	۳/۶۷	۰,۰۰۱ **	۳/۶۷
	۲	۱				۲/۳۰			
	۳	۲/۱۴				۴/۴۶			
	۴	۳				۵			
کاهش و کنترل ترافیک شهری	۱	۱/۱۲	۱/۸۷	۰,۰۰۰ **	حمل و نقل درون شهری	۲/۷۸	۲/۶۸	۰,۰۰۰ **	۲/۶۸
	۲	۱/۱۳				۱/۹۲			
	۳	۲/۵۰				۳			
	۴	۲/۷۲				۳/۰۴			
پل مخصوص عابر پیاده	۱	۱	۱/۷۱	۰,۰۰۶ **	فضای سبز	۲/۱۲	۲/۴۰	۰,۰۰۵ **	۲/۴۰
	۲	۱/۲۵				۲			
	۳	۲				۲/۴۶			
	۴	۲/۵				۳			
توزیع مناسب ایستگاه اتوبوس	۱	۱/۸۵	۱/۴۹	۰,۰۰۳ **	ایجاد پارکینگ وسایل نقلیه	۲/۱۰	۲/۳۹	۰,۰۰۱ **	۲/۳۹
	۲	۱/۱۵				۲/۹۰			
	۳	۱				۲/۵۶			
	۴	۲				۳			

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ \*\* معناداری در سطح ۰/۹۹٪

نتایج آزمون آماری کندال<sup>۱</sup> جهت تعیین رابطه بین دو متغیر "رضایت از خدمات شهری" با "مشارکت در امور شهر"، تفاوت معناداری تا سطح ۰/۹۹ را نشان می‌دهد. این رابطه معنی‌داری نشان از این دارد که، در صورتی شهروندان از خدمات ارائه شده توسط مدیران شهری رضایت داشته باشند، به همان میزان به مشارکت در امور مدیریت شهر می‌پردازند.

جدول ۳- تعیین رابطه بین رضایت شهروندان از خدمات شهری، با مشارکت در امور مدیریت شهر بر اساس آماره کندال

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	تأیید	رد
رضایت از خدمات شهری	مشارکت شهروندان	کندال	۰,۲۹۰**	۰,۰۰۰	*	

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ \*\* معناداری در سطح ۰/۹۹

جهت تعیین رابطه بین دو متغیر "اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری" با مشارکت آنان در امور مدیریت شهر از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که نتیجه این آماره در سطح ۰/۹۹ معنادار است. به عبارتی، افزایش اعتماد شهروندان به مدیران شهری با افزایش مشارکت در امور مدیریت شهر همراه خواهد بود. بر اساس یافته‌های توصیفی، با توجه به اینکه میانگین اعتماد شهروندان حاشیه شهر بابل به مدیران شهری کم می‌باشد به همان نسبت مشارکت کمی در امور مربوط به مدیریت شهری دارا می‌باشند که لزوم برنامه‌های جلب و افزایش اعتماد شهروندان از سوی مدیران را می‌طلبد.

جدول ۴- رابطه بین اعتماد شهروندان به مدیران شهری با مشارکت در امور مدیریت شهر بر اساس آماره اسپیرمن

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	تأیید	رد
اعتماد به مدیران شهری	مشارکت شهروندان	اسپیرمن	۰,۵۰۴**	۰,۰۰۰	*	

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ \*\* معناداری در سطح ۰/۹۹

برای تحلیل همبستگی بین دو متغیر "آگاهی شهروندان از طرح‌ها و برنامه‌های مدیریت شهر" با مشارکت آنان در امور مدیریت شهر، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار تا سطح ۰/۹۹ درصد بین این متغیرها می‌باشد. از آنجا که اطلاعات شهروندان نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری پایین است، لذا میزان مشارکت آنان نیز در امور مربوط به مدیریت

شهری کم می‌باشد که نشان‌دهنده کم توجهی مدیران شهری در امر اطلاع رسانی به شهروندان در این امور می‌باشد.

جدول ۵- رابطه بین آگاهی شهروندان از برنامه‌های شهری با مشارکت در امور مدیریت شهر بر اساس آماره اسپیرمن

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	تایید	رد
آگاهی از طرح‌ها و برنامه‌های شهری	مشارکت شهروندان	اسپیرمن	۰,۵۳۱**	۰,۰۰۰*	*	

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ \*\* معناداری در سطح ۰,۰۰۱؛ \* معناداری در سطح ۰,۰۵

برای سنجش فرض رابطه بین تعلق اجتماعی شهروندان با مشارکت در امور مربوط به مدیریت شهری از چهارگویه بر اساس آزمون خی دو دو طرفه استفاده گردیده است که رابطه هر چهار گویه با میزان مشارکت، در سطح ۰,۰۰۱ معنادار است. بطوریکه اگر شهروندان امکانات شهر و اموال عمومی شهر را عین امکانات و اموال خود بدانند بهتر در حفظ آن که نوعی مشارکت شهروندی محسوب می‌شود می‌کوشند. همچنین اگر در حفظ محیط‌زیست احساس مسئولیت داشته باشند و شهر را مانند خانه خود بدانند کمتر به تخریب و یا آسیب رساندن به آن اقدام می‌کنند.

جدول ۶- رابطه بین تعلق اجتماعی شهروندان با مشارکت در مدیریت شهر بر اساس آماره کای اسکوئر دو طرفه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	تایید	رد
تعلق امکانات شهری به همه افراد	مشارکت شهروندان	کای اسکوئر	۰,۵۷۲**	۰,۰۰۰*	*	
دانستن شهر همانند خانه خود	مشارکت شهروندان	کای اسکوئر	۰,۲۴۸**	۰,۰۰۳*	*	
احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست	مشارکت شهروندان	کای اسکوئر	۰,۴۶۱**	۰,۰۰۸*	*	
دانستن اموال عمومی مانند اموال خود	مشارکت شهروندان	کای اسکوئر	۰,۶۲۰**	۰,۰۰۵*	*	

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ \*\* معناداری در سطح ۰,۰۰۱؛ \* معناداری در سطح ۰,۰۵

### نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای کاربردی

در پی اهمیت توجه به نقش مشارکت مردم در مدیریت شهرها، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل در امور مدیریت شهری پرداخته است. براساس یافته‌های تحلیلی میزان مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل با میانگین ۲/۴۹ در امور مدیریت شهری از سطح متوسط پائین‌تر می‌باشد. همچنین شهروندان از ارائه خدمات شهری با میانگین ۲/۳۳ رضایت کمی دارند. در بین محلات هدف پژوهش بر اساس آزمون کروسکال والیس بیشترین میزان مشارکت و رضایت از خدمات شهری مربوط به محله کتی‌غربی و کمترین میزان مشارکت و رضایت از خدمات شهری مربوط به محله کمانگرکلا می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین دو متغیر رضایت شهروندان از خدمات ارائه شده توسط مدیران شهری با مشارکت در امور مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد. بطوری‌که اگر شهروندان از خدمات ارائه شده توسط مدیران شهری رضایت داشته باشند، به همان میزان به مشارکت در امور مدیریت شهر می‌پردازند. همچنین بین دو متغیر اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری با مشارکت در امور مدیریت شهر رابطه معناداری وجود دارد. اعتماد یک عامل کلیدی برای مشارکت شهروندان است، به طوری‌که نبود آن باعث کاهش موفقیت در فرایند ایجاد تغییرات جهت بهبود مشارکت مردمی در تهیه و اجرای طرح‌ها می‌گردد. به عبارتی افزایش اعتماد شهروندان به مدیران شهری با افزایش مشارکت در امور مدیریت شهر همراه خواهد بود. بین دو متغیر آگاهی شهروندان از طرح‌های مدیریت شهر با مشارکت در امور مدیریت شهر رابطه معناداری وجود دارد. افراد برای شرکت کردن در فرآیند مشارکت دارای ظرفیت‌ها و آگاهی‌های متفاوتی‌اند، عدم آگاهی نسبت به مسایل شهری یکی از موانع اصلی در عدم حضور آنان در فرایند مشارکت است، که نشان‌دهنده کم توجهی مدیران شهری در امر اطلاع رسانی به شهروندان در این امور می‌باشد. گفت و گوهای سازنده مشارکتی هنگامی اتفاق می‌افتد که شهروندان به خوبی در مورد موضوعات مورد بحث آگاه شده باشند. همچنین بین دو متغیر تعلق اجتماعی شهروندان با مشارکت در امور مربوط به مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد. به طوری‌که اگر شهروندان امکانات شهر و اموال عمومی شهر را عین امکانات و اموال خود بدانند و در حفظ محیط زیست احساس مسئولیت داشته باشند و شهر را مانند خانه خود بدانند، مشارکتی موثر در بهبود مدیریت شهر خواهند داشت.

با توجه به یافته‌های تحقیق و به منظور بهبود مشارکت شهروندان حاشیه شهر بابل در امر مدیریت شهری می‌توانیم پیشنهادات کاربردی زیر را ارائه دهیم:

- با توجه به اینکه اکثر شهروندان حاشیه شهر بابل از ارائه خدمات شهری رضایت کمی دارند و این سطح رضایت دلیلی بر عدم مشارکت آنان در امور مدیریتی شهر می‌باشد، لذا انجام اقداماتی در جهت تدوین

ساز و کارهای ارتقاء و تامین فضاهای عمومی و کاربریهای خدماتی در شهرها به ویژه در مناطق و عرصه های کم برخوردار حاشیه شهرها، توزیع عادلانه خدمات شهری در سطح شهر، تامین رفاه عمومی و آسایش مردم، می تواند گامی مؤثر از سوی مدیران شهری در راستای جلب مشارکت موثر شهروندان در امور مدیریت شهری به شمار آید.

- اطلاع از نیازهای شهروندان و تلاش در جهت برطرف کردن آن باعث افزایش رضایت شهروندان و به تبع افزایش مشارکت آنان در امر مدیریت شهری می شود.

- با توجه به کاهش اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری که عاملی مؤثر در عدم مشارکت آنان در مدیریت شهر می باشد، لذا ایجاد حس اعتماد در شهروندان از طریق احترام به نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و اطمینان دادن به شهروندان، به مؤثر بودن نظرات آنان در مدیریت شهر با برگزاری جلسات مداوم برای بهره برداری از نظرات آنان، الزام مسئولین و مدیران شهری به پاسخگویی به شهروندان که موجب رضایت شهروندان از مدیران می شود، می تواند اقدامی مناسب در جهت جلب مشارکت شهروندان در امر مدیریت شهر محسوب گردد.

- شهروندان حاشیه شهر بابل از رضایت کمی نسبت به آگاهی از طرحها و برنامه های مدیریتی در سطح شهر برخوردار هستند. بنابراین، این عدم شناخت منجر به عدم مشارکت در امر مدیریت شهر می شود. از آنجائیکه یکی از موثرترین موانع مشارکت در امر مدیریت شهر کم توجهی مسئولان در امر اطلاع رسانی می باشد، لذا آشنا نمودن شهروندان با مفهوم، حقوق، وظایف و مسئولیت های آنها در جامعه، ایجاد شوراهای محلی در محلات و تشویق مردم برای عضویت در این شوراها و افزایش میزان آگاهی آنان و اطلاع رسانی در زمینه شیوه های مشارکت در امور شهری از طریق تبلیغات رسانه های گروهی و... باید در اولویت برنامه های مدیران شهری، در جهت جلب مشارکت مؤثر و بهینه شهروندان قرار گیرد.

## منابع

۱. ابودری، پانته آ، اکبر، پرهیزگار، یعقوب، حق پناه، ببرز، کریمی، ۱۳۹۰. «تبیین ضرورت مدیریت شهری سیستمی و مشارکت شهروندی در کلانشهرها»، نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران.
۲. ارجمندنی، اصغر. ۱۳۸۵. «مکانیسم سازماندهی و مشارکت مردم و نهادهای غیر دولتی در ساخت، بهره برداری و اسکان در شهرهای جدید»، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، جلد سوم، تهران.
۳. بشیرزادگان، فرشاد. ۱۳۸۹. «مشارکت شهروندی راهبردی اساسی در مدیریت کلان شهری»، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله ای حقوق و تکالیف.
۴. جمعه پور، محمود. ۱۳۸۲. عوامل اصلی در فرایند توسعه پایدار: منابع، مردم، فضاها و نقش مشارکت مردمی در آن، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۸، شماره ۲۲.



۵. رضادوست، کریم، علی حسین، حسین زاده، حمید، عابدزاده، ۱۳۸۸. «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه‌ی شهری شهر ایلام»، جامعه‌شناسی کاربردی سال بیستم، شماره ۳.
۶. زیاری، کرامت‌اله، مجدالدین، زندوی، محمد، آقاجانی، محمد، مقدم. ۱۳۸۸. «بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک، نمونه موردی؛ شهرهای گله دار، ورزنه و هیدج»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳.
۷. شریف‌زاده، فتاح، جواد، صدقی ۱۳۸۸. «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر»، دو فصلنامه علمی ترویجی مطالعات مدیریت سال ۱۹، شماره ۵۹.
۸. رفیعیان، سجاد. ۱۳۸۹. «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری و ارائه‌ی الگوی مناسب؛ مطالعه موردی فسا» دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۹. علوی‌تبار، علیرضا. ۱۳۷۹. «بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهان و ایران)» جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، تهران.
۱۰. غفاری، غلامرضا ۱۳۸۰. «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان»، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۱. قاسمی، محمدعلی ۱۳۸۱. «عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی»، فصلنامه اندیشه و برنامه‌ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سال دوم، شماره ۴.
۱۲. قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مهرماه.
۱۳. کاظمیان، غلامرضا. ۱۳۸۹. «بررسی تاثیر الگوی شوراییاری محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره سوم.
۱۴. کاکاوند، الهام. ۱۳۹۰. «راهبردهای افزایش مشارکت شهروندان در عمران شهری»، سومین همایش ملی عمران شهری.
۱۵. مهرزاد، جمال ۱۳۸۹. «مشارکت شهروندی و مدیریت شهری؛ مورد نمونه، شهر تبریز»، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله‌ای حقوق و تکالیف.
۱۶. معصومی، سلمان ۱۳۹۰. «توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران»، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
۱۷. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری. ۱۳۸۰. «بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
۱۸. موسایی، میثم، بهزاد، رضوی. ۱۳۸۹. «بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری» فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۱۹. منصور، جهانگیر. ۱۳۸۵. «قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری»، نشر دیدار.
۲۰. هاشمیان، مریم، حسین، بهروانف، محسن، نوغانی. ۱۳۹۰. «عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر مشهد»، سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.

۲۱. وظیفه دوست، حسین، سیاوش، نوری. ۱۳۸۸. «مشارکت‌های مردمی و نقش آن در توسعه مدیریت شهری؛ مورد مطالعه: شهرداری منطقه ۵ تبریز»، پژوهشنامه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری.
22. Chakarbarty, B.K. 2001. Urban management (concepts, principles, techniques and education).
23. Finger, A., Finger, M. 2002. Social factors enabling local peoples participation in integrated management planning in the context of forested mountain territories, proceeding of the research course "the formulation of integrated management plans for mountain forests" Bardonecchia, Italy.
24. Ost hooi Zen, Andreas 1998. "Citizen Participation in urban development planning".
25. Okly, P., and Marsden, D. 1991. "Participation in rural development approaches," translated Mmnsvr Mahmoud Ahmadinejad. Publications of the Ministry of Jihad. Tehran.
26. Rusmarsidik, T. 2000. Models of urban governance for bandung metropolitian area hn Indonesia. Center for developing cities. www.cities.canbera.Edu translated by Naser. Berakpor, Journal of Architecture and Urban Planning, No. 48.
27. Royterz, Gorge 1994. "Sociological Theories", translated by Mohsen. Salasi, scientific publications.
28. Sanoff, H. 2000. "Community Participation Methods in Design and Planning". New York: john Wiley & Sons
29. UN 2000. Governance, participation and partnerships. Un.Org.